

پیرامون "اعتراض جمهوریخواهان ایران به صدور احکام علیه فعالان ملی-مذهبی":
فعالیت‌های حقوق بشری را با کنش‌های سیاسی نیالایید.
این کار به مبارزه حقوق بشری صدمه می‌زند.

دوستان مسئول حرکت "برای اتحاد جمهوریخواهان ایران" نامه اعتراضیه‌ای در محکومیت احکام صادره در مورد ۱۵ تن از فعالان "ملی-مذهبی" نوشته‌اند و برای آن امضا جمع‌آوری می‌کنند. این اقدام به نفسه بسیار پسندیده و در خور تحسین است. احکام سنگین و سرکوبگرانه‌ای که در مورد این فعالان سیاسی صادر شده است علاوه بر این که نقض صریح موازین حقوق بشری است حتی با خود قوانین ظالمانه جمهوری اسلامی نیز در تناقض بوده و مطلقاً و جاهت قانونی ندارد.

در متن بیانیه نیز به درستی بر موازین حقوق بشری تکیه شده است و امضاکنندگان خواهان لغو هر چه سریعتر این احکام و آزادی زندانیان سیاسی شده‌اند. به عبارت دیگر، این بیانیه و خواست مندرج در آن یک بیانیه حقوق بشری است و رنگ سیاسی ندارد. این که عده‌ای جمهوریخواه نیز مبتکر تهیه این سند شده‌اند الزاماً به آن رنگ سیاسی نمی‌دهد.

در عین حال معلوم نیست چرا در عنوان این سند گفته شده است "اعتراض جمهوریخواهان ایران". آیا منظور این است که فقط جمهوریخواهان به امضای این سند مجازند و یا هر که این سند را امضا می‌کند باید تلویحاً و از طریق یک شرط لازم ضمن العقد جمهوری خواهی خود را تایید کند؟ و یا اگر ناجمهوریخواهی مایل به امضای این سند هست باید برود و جداگانه در غرفه دیگری این سند را با همفکران خود امضا کند؟ یا این که خدای ناکرده، دوستان معتقدند که یک ناجمهوریخواه ممکن نیست خواسته حقوق بشری مشابهی را مطرح کند. نه فقط یک ناجمهوریخواه نمی‌تواند دموکرات باشد، و بلکه امکان ندارد او خواسته‌های حقوق بشری مشابهی را نیز پیش بکشد.

البته من می‌دانم که هر جریان و گروه سیاسی می‌تواند در مقوله حقوق بشر نیز اعلامیه صادر کند، و چه بسیار خوب. ولی در این صورت آن جریان و گروه اعلامیه را به نام خود یا اعضا می‌دهد و تمام می‌شود. این اعلامیه، اما، برای امضای عموم باز شده است (بگذریم که جمهوریخواهان هنوز یک گروه نیستند). و عموم هم که جمهوریخواه نیستند. در این صورت آیا خطاب شما به خواننده ناجمهوریخواه خود می‌تواند چیزی جز یکی از آن‌ها باشد که در پاراگراف پیش آمد؟ اگر هم منظور از این کار ارزیابی نیروی جمهوری خواه (هم‌جهت با اندیشه تهیه‌کنندگان این اعتراض‌نامه) باشد که این کار اخیراً شده است و امضاهای پای این نامه چیزی به آن نمی‌افزاید. البته ممکن است کسانی متن "برای اتحاد جمهوریخواهان ایران" را به دلایلی امضا نکرده باشند و این سند را امضا کنند، ولی بعید است که دوستان هدف افزایش نیرو از این طریق را دنبال کرده باشند.

به هر حال، من در نوشته‌ای از این که اقدام دوستان و سند "برای اتحاد جمهوریخواهان ایران" ممکن است نه به صورت اقدامی در راه هم‌بستگی و بسیج همه نیروهای آزادی‌خواه و بلکه به عنوان وسیله‌ای برای ایجاد بحث‌های انحرافی و درگیری‌های گروهی مورد (سو) استفاده قرار گیرد ابراز نگرانی کردم. اکنون، با کمال اسف دیده می‌شود که سریعاً حتی یک اقدام حقوق بشری نیز به این گرایش سیاسی آلوده شده است. و چه خاطره تلخی را این اقدام به ذهن می‌آورد: به یاد بیاوریم که در آستانه انقلاب ۵۷ همه چیز در یک گفتمان "اسلامی" خلاصه می‌شد. در آن موقع نیز نه فقط "مسلمان‌ها" انقلابی واقعی بودند و بلکه هر تشکیلات و سازمانی برای کسب اعتبار باید برچسب اسلامی می‌داشت. در آن جا نیز "مسلمانان" واقعی یک بسم‌الله را بر سر هر اعلامیه می‌چسبانند و تو اگر می‌خواستی صمیمانه با آنان همراه شوی باید راست یا دروغ تظاهر به اسلام می‌کردی. البته برای مسلمانان "روشنفکری" که چنین می‌کردند نامسلمانی تو جرم نبود، و تو هم می‌توانستی تحت عنوان هر مذهبی که هستی (یا نیستی) اعلامیه جداگانه بدهی. حتی همین آقای دکتر ملکی که من به مبارزات گذشته و حالش احترام می‌گذارم چه اصراری داشت نویسنده این سطور را که از پایه‌گذاران و فعالان اصلی جمعیت کوچکی به نام "اقامه" بود (و خود آقای ملکی به ندرت در آن حضور می‌یافت) به دلیل مشکوک بودن اعتقادات اسلامی‌اش از جمعیت (که هیچ تعریف اسلامی هم نداشت) بیرون بیندازد و تنها دفاعیات (نااسلامی) من با حمایت آقای شانه‌چی و مرحوم علی‌بابایی تلاش او را خنثی کرد.

من مطمئنم که تعمدی در این کار نبوده است و دوستان در این جا نظر حسن داشته‌اند. در عین حال، از بیان این دریغ ناچارم که چگونه وقتی ما به درستی راه خود غره می‌شویم چه بی‌احتیاط عمل می‌کنیم و چه ره به بیراهه می‌زنیم. ما نباید چنان عمل کنیم که این تصور پیش آید که امروز جمهوریخواهی جای همان اسلام‌گرایی دیروز را گرفته است. تجربه تلخ و مرگبار انقلاب باید این درس را به همه ما آموخته باشد که ارزش‌های انسانی و حقوق بشری در انحصار هیچ مکتب و مرام و آیینی نیست.

دوستان: من در آستانه انقلاب به دوستان مسلمان خود اعتراض می‌کردم که چرا پای یک اعلامیه را که بالای آن برچسب اسلام خورده است امضای کنند. به آنان می‌گفتم که اگر دموکرات واقعی هستید در عین اعتقاد به اسلام باید برچسب اسلام را از بالای آن بردارید تا نشان دهید که حاضرید با یک نامسلمان در یک کار سیاسی مشترک همکاری کنید. و باز به آنان می‌گفتم که گذاشتن برچسب اسلام در آن بالا چیزی جز یک وسیله تفتیش عقاید و ایجاد تفرقه نیست: آن که امضا می‌کند مسلمان است و آن که نمی‌کند لابد نیست. اکنون نیز من جمهوری‌خواه به دلیل مشابه از امضای بیانیه شما معذورم. و در عین حال، به نام یک فعال حقوق بشر و به نام حقوق بشر از شما می‌خواهم که فعالیت‌های حقوق بشری را با کنش‌های سیاسی نیالایید. این کار به مبارزه حقوق بشری صدمه می‌زند.

10 June 2003

hbzadeh@btinternet.com